



■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۴۰۰۰
■ دورنگار تحریریه: ۰۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۰۶۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۹۱۳
■ اسورمسترکین: ۰۶۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۰۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۰۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

حکمت

امام علی (ع)

آن که اخلاقش بد باشد، روزی اش تنگ می‌شود.

غررال حکم

نکته روز

نقل و نباتی به نام «دارو»

جامعه ایرانی یکی از رکوردداران مصرف دارو در جهان است

وقتی از مصرف‌گرا بودن جامعه ایرانی حرف می‌زنیم، می‌توانیم مصداق‌های بسیاری از این گزاره را پیش رویمان فهرست کنیم. شاید ملموس‌ترین و البته آشکارترین این موضوع را بتوان در نحوه مصرف انرژی بدانیم. ما در حوزه‌های مختلفی از مصرف حتی صاحب زکودهای جهانی هستیم، مصرف گاز در ایران چندین برابر استانداردهای جهانی است و به گواه گفته یکی از مسئولان در سال گذشته ما به اندازه کل اتحادیه اروپا در یک سال مصرف گاز داریم. این موضوع از جایی به فرهنگ مصرف مرتبط است که بدانیم حتی خود مسئولان هم در این راه جدی نیستند، به این معنا که هدررفت گاز خانگی در ایران در حالی بالاست که بیشترین این هدررفت به دلیل دور بودن ساخت و سازهای خانه‌ها از استانداردهای ساختمان‌سازی است. یا در حوزه مصرف پلاستیک که جزو ۱۵ کشور اول جهانیم، یا هدررفت نان و دورریز غذای ما به شکل تاسف‌آوری بالاست. اما در این میان در یک حوزه عجیب هم ایران صاحب رکوردی منفی است، مصرف دارو!

آن طور که در جامعه پیرامونی‌مان می‌توان دریافت باوری میان ما شکل گرفته که پزشکانی را مجرب می‌داند که داروی بیشتری برای بیماران تجویز کنند! این باور آن قدر قوی و قوام یافته که حتی به ترفندی برای برخی پزشکان در اثبات تبحر خود تبدیل شده‌است. به این معنا که حالا روایی پیش آمده که پزشکان هم برای نشان دادن مهارت خود سعی دارند داروی بیشتری برای بیمارانشان تجویز کنند. این نکته در هشدارهای مسئولان وزارت بهداشت هم دیده می‌شود، همین ماه گذشته معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد: «نسخه پزشکان در دنیا به صورت میانگین شامل یک یا دو قلم دارو است اما در ایران در هر برگ نسخه، چهار تا پنج قلم دارو تجویز می‌شود». این موضوع حتی در سال‌های گذشته باعث شده بود تا وزارت بهداشت اعلام کند نسخه‌هایی را که پزشکان برای بیماران می‌نویسند، کنترل کرده و اگر پزشکی بیشتر از میانگین دارو تجویز کرده باشد با او برخورد می‌شود. اما این موضوع سوی دیگری به نام مصرف‌کننده هم دارد. حداقل در آمارهای ارائه شده موجود می‌توان به وضعیت مصرف‌کننده‌های دارو در ایران پی برد. به عنوان مثال در یک فقره آماری موجود، ایران به لحاظ مصرف دارو جزو ۲۰ کشور پرتز دنیا قرار دارد و در آسیا بعد از چین رتبه دوم را دارد. این درحالی است که ۲۰ درصد کل داروهای مصرفی در ایران به صورت خودسرانه و بدون تجویز پزشک مصرف می‌شود. هیرانی به طور متوسط طی یک سال ۳۳۹ بار دارو می‌خورد که این رقم چهار برابر آمار جهانی است. سرانه مصرف داروهای تزریقی در ایران حدود ۱۱/۴ درصد است که تقریباً چهار برابر این میزان در جوامع توسعه یافته است. سرانه کل مصرف دارو در ایران سه برابر استاندارد جهانی است. در مجموع حدود ۴۰ درصد از مردم ایران به صورت خودسرانه دارو مصرف می‌کنند؛ چیزی در حدود دو نفر از هر پنج نفر ایرانی. بدون شک این گونه مصرف دارو پیامدهایی هم در حوزه سلامت افراد دارد. تحقیقات انجام شده درباره مصرف خودسرانه دارو در کشور نشان می‌دهد ۱۰ تا ۱۵ درصد داروها در ایران بدون مشورت با پزشک مصرف می‌شود که در این بین، داروهای مسکن و آنتی بیوتیک‌ها بیشترین میزان مصرف خودسرانه را تشکیل می‌دهد. از عوارض این پدیده می‌توان به بستری شدن ۱۰ تا ۲۰ درصد از بیماران در مراکز درمانی به علت عوارض دارویی اشاره کرد. و البته نکته عجیب و قابل تأمل در این میان این است که طبق بررسی‌های صورت گرفته، خوددرمانی در گروه‌های باسواد از گروه‌های بی‌سواد بیشتر است، به علاوه در میان افراد باسواد کسانی که دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند به مراتب بیشتر از کسانی که از تحصیلات عالی‌تر برخوردار بوده‌اند به خوددرمانی مبادرت ورزیده‌اند. دلایل بسیاری برای این امر فهرست شده‌است، برخی معتقدند بار اصلی این قصور روی دوش داروخانه‌هاست. آنها معتقدند داروخانه‌ها هستند که به سهولت دارو را در اختیار مشتریان قرار می‌دهند و البته مخالفانی هم در این میان باور دارند افزایش هزینه‌های پزشکی از جمله ویزیت پزشکان دلیلی شده‌است که برخی مردم بدون مراجعه به پزشک مستقیماً به داروخانه‌ها مراجعه کنند تا به باور خود در یک هزینه احتمالاً اضافی در این میان صرفه جویی کرده باشند.



عاقبت سلبریتی‌های وطن فروش

اخراج مهناز افشار و محسن نامجو از تجمع ضدانقلاب در اروپا چه معنایی دارد؟

برق قرش قرمز زیر پای او در تلویزیون‌های آن سوی مرزها چشمش را گرفت و گمان برد مخالفان رفتار او تنها در ایران قرار دارند، فارغ از تمام این حواشی حالا پس از گذشت چند سال از آن واقعه تجمعات چند روز اخیر ضدانقلاب‌ها در اروپا را فرصت مناسبی دیده بود تا دوباره بتواند صاحب توهم رهبری این جماعت باشد، اما خب نمی‌دانست او حتی در میان این جماعت جایی ندارد! جالب این‌که پس از پرونده همسرش در رابطه با شیرخشک‌های فاسد او صراحتاً از همسرش اعلام برائت کرد و از طریق همین شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد از او جدا شده‌است. اما پایان پرونده همسرش دوباره با قریب همان هوادارانش اعلام کرد که «طلائی در کار نبوده» است.

محسن نامجو هم دیگر سلبریتی‌ای بود که البته در دسته روشنفکر خارج نشین این ماجرا قرار داشت. خواننده‌ای که البته رسوایی‌های اخلاقی‌اش حالا بیشتر از موسیقی‌های ساخته شده‌است و خب حتی حضور کوتاهش در تجمع ضدانقلاب‌ها تاب آورده نشده و مجبور شد با اسکورت پلیس احتمالاً روانه خانه‌اش شود! رویه کار سلبریتی‌های وطن فروش همین است.

آن قدر پرتکرار و آشنا که می‌توان آن را جزو یکی از مولفه‌های این دسته از سلبریتی‌ها قرار دارد. این‌که در بزنگاه‌های مهم اجتماعی با کشف حجاب مدتی مرکز توجه قرار بگیرند اما با افتادن آب‌ها از آسیاب روسیاهی به زغال بماند ویس، تصور اغلب این دسته از سلبریتی‌ها همین است، این‌که با رادیکال تر شدن رفتار و گفتار آنها احتمالاً می‌توانند به عمر نباتی خود در فضای مجازی تداوم ببخشند فارغ از این‌که حتی در میان طرفداران احتمالی‌شان هم دیگر جایی ندارند. سرنوشت مهناز افشار و محسن نامجو می‌تواند نمونه آشکاری باشد برای سایر سلبریتی‌های وطنی که در سر سودای سیاسی‌کاری دارند. آنها باید متوجه باشند که این برخورد با مهناز افشار و محسن نامجو در انتظار سایر سلبریتی‌های وابسته نیز هست.

تجمعات ضدانقلاب‌ها در شهر دوسلدورف آلمان یک اخراجی آشنا داشت: مهناز افشار! چهره‌ای که پیش از این همه تلاشش را کرد تا در آغوش ضدانقلاب‌ها به زندگی لاجرمی‌اش در آلمان ادامه دهد اما آش آن قدر شور بود که حتی آنها هم او را از جمع خود بیرون کردند! اخراجی‌اشی دیگر تجمعات چند روز پیش در بروکسل بلژیک بود، جایی که محسن نامجو هم خیلی زود با اسکورت پلیس به اتوبوسی فرستاده شد تا احتمالاً راه خانه را بگیرد!

در این میان حتی حمایت‌های بی‌دریغ تلویزیون‌های لندن‌نی هم به افشار کمک نکرد، همان شب تلویزیون منوئو این برخورد را «نامناسب» خواند! و البته بی‌بی‌سی فارسی هم با دادن آنتن به او و گفت‌وگو با این بازیگر قصد دلجویی از او را داشت و البته همین موقعیت هم به زیان خانم بازیگر سابق تمام شد و همه‌ها علیه او شدت گرفت! وقتی از هیاهوی پوچ سلبریتی‌ها حرف می‌زنیم به معنای همین بی‌ریختگی‌است. در رابطه با این دو نمونه خبرساز شده، قصه جالب این که حتی در سنگر ضدانقلاب‌ها هم جایی برای‌شان نیست اما تا پیش از این چنین رفتار می‌کردند که آنها بخشی از رهبری افکار عمومی جامعه ایرانی را در دست دارند؛ به همین اندازه پوچ، همین قدر تباه. مهناز افشار بازیگری که پیش از این با پرونده همسرش روبه‌رو بود و با توییت‌های هدف دار اشتباه حتی باعث کشته شدن یک طبله شده بود یکی از به ظاهر چهره‌هایی است که در تجمعات آلمان از جمع ضدانقلاب‌ها هم بیرون رانده شده‌است.

چند سال پیش بود که توییت مهناز افشار درباره یک اکانت فیک باعث شد تا بسیاری او را مسبب قتل طبله همدانی بدانند. در آن توییت اکانت فیک که به صورت ساختگی با تصویر یکی از روحانیون ساخته شده بود، زنان ایرانی تشویق به صیغه‌شدن با مردان عراقی شده بودند با این حال همان زمان روحانی‌ای که تصویر او به عنوان پروفایل این اکانت ساختگی استفاده شده بود با انتشار فیلمی این مسأله را کاملاً تکذیب و اعلام کرده بود که این اکانت به هیچ وجه ربطی به او ندارد با این حال مهناز افشار طی توییتی این مسأله را برجسته کرده و به آن رنگ واقعیت داده بود! همان روزها هم بود که او از ایران رفت و آرام آرام به شبکه‌های معاند آن سوی مرزها راه یافت. زرق و

امروز در تاریخ

- شروع به کار تلویزیون در ایران ۱۳۳۷
- سالمرگ عمران صلاحی، شاعر و طنزپرداز ۱۳۸۵
- سالروز استقلال کشور عراق / ۱۹۳۲
- پرتاب اولین موشک ساخت انسان به فضا / ۱۹۴۲

واحه

مردیم و همچنان خم و پیچ هوس بجاست
از سوختن نرفت برون، تاب ریسمان صائب

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۱:۵۳	غروب آفتاب: ۱۷:۴۶
اذان مغرب: ۱۸:۰۴	نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۲
اذان صبح (فردا): ۴:۳۸	طلوع خورشید (فردا): ۶:۰۱

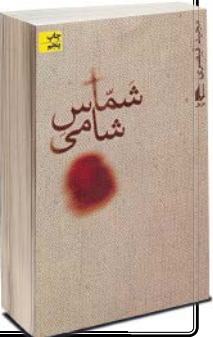
پیشخوان

شماس شامی

تاب تاریخ در تک‌تک برگ‌های خود گواهی می‌دهد که هیچ کدام از نویسندگان آثار ادبی (نظم و نثر) و آثار ادبیات دراماتیک (نمایشنامه و فیلمنامه) به هیچ وجه در مقام مورخ نه تعریف شده و نه ادعای آن را داشته‌اند؛ آن روی سکه نیز به گواه همان کتاب تاریخ، هیچ مورخی نیز خود را نویسنده در هر دو شاخه‌ای که از آن یاد شد نام نبرده و مدعای این مهم نبوده‌است، چه اگر اینگونه باشد بی‌تردید آن نویسنده و مورخ سخن به گراف گفته و راه به بیراهه رفته‌اند.

رمان «شماس شامی» به قلم مجید قیصری که نشر افق آن را منتشر کرده با انتخاب خادم کلیسا به عنوان راوی خود، تلاش کرده تا تکرار و تکرار و تکرار حدیث نامکرر قیام حسینی و واقعه عاشورا را به گونه‌ای بی طرفانه و بانگاهی جهانشمول برای مخاطب خود روایت کند تا به این واسطه دامنه تاثیرگذاری خود را از حوزه جهان اسلام به تمام مردمان آزادخواه جهان توسعه دهد.

در پشت جلد این کتاب آمده است: «داستان اگر اجازه ندادار تاریخ را تحریف کنند اما این توان و ظرفیت را داراست که تاریخ را از زاویه نوسه نو روایت بنشیند. گویی که آن را دوباره می‌آفریند. در شماس شامی برهه‌ای از تاریخی مکرر باز هم تکرار می‌شود و هنوز نامکرر است.» موفقیت کتاب شماس شامی که بستر و حوادث آن محرم سال ۶۱۹ هجری قمری را با روایتی جذاب، متنوع و این بار با تلفیقی از ادبیات معمایی به مخاطب خود ارائه کرده است، ریشه در همان جمله کوتاه مجید قیصری در پشت جلد شماس شامی دارد.



پرسه

آب، بابا، انفجار

بار دیگر افغانستان شاهد حملات تروریستی بود و دانش آموزان، قربانی اصلی آن بودند. تأمین امنیت در افغانستان روز به روز به کلاف پیچیده‌ای تبدیل می‌شود و باید پذیرفت که اتفاقات امروز افغانستان معلول بحران‌هایی است که بسیاری راه خروج از این وضعیت را تشکیل یک حکومت فراگیر می‌دانند. انفجار بامداد جمعه در حالی رخ داد که دانش آموزان یک مرکز آموزشی واقع در دشت چرچی - در غرب کابل - در امتحان شرکت کردند. مرکز آموزشی «کاج» یک نهاد خصوصی آموزشی در غرب کابل است که بیشتر برنامه‌های آماذگی برای ورود به کنکور - پیش‌دانشگاهی برای دانش آموزان دختر و پسر در آن برگزار می‌شود. هنوز مسئولیت این انفجار را فرد یا گروهی بر عهده نگرفته اما پیش از این گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش بارها حملاتی از این دست را در غرب کابل انجام داده‌است.



برای دیدن این ویدئو
کیوارکد زیر را
اسکن کنید



تماشای پیراهن قرن!

هر وقت حرفی از فوتبال باشد بدون شک نام دیگو مارادونا هم به میان می‌آید. بازیکنی که حتی پس از مرگش هم حواشی بسیاری به همراه داشت. حالا خبرآمده پیراهنی که دیگو مارادونا مارادونا، اسطوره فوتبال آرژانتین هنگام زدن دو گل معروف به انگلیس در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۸۶ برتن کرد، پنج ماه پس از فروش آن در حراجی به ارزش ۹/۳ میلیون دلار، در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر به نمایش گذاشته خواهد شد. طبق اعلام خانه حراج ساتی، این پیراهن

که بدون فاش کردن هویت خریدار، تمامی رکوردهای فروش کلکسیون‌های ورزشی را شکست، به موزه ورزش قطر قرض داده شده تا به نمایش گذاشته شود. بنابراین حالا بسیاری از فوتبال‌دوستان علاوه بر حضور در این تورنمنت ورزشی می‌توانند از پیراهنی که با آن گل قرن به ثمر رسیده، بازدید کنند.



برای دیدن این ویدئو
کیوارکد زیر را
اسکن کنید



بازی مرگ در اندونزی

دیروز در میان همه اخبار ریز و درشت، یکی از تلخ‌ترین حوادث مربوط به ورزشگاه‌ها در جهان در کشور اندونزی و در میانه یک بازی فوتبال رخ داد. اتفاقی که اغراق نیست بگویم در این میان یگانه بوده است. طبق گزارش‌ها، ماجرا از این قرار است که تماشاچیان دو تیم آرما فاسی و پرسپاسیا سورابایا به مصاف یکدیگر رفتند و شکست آرما در این بازی باعث شد اتفاقات عجیبی پس از پایان این دیدار رقم بخورد. شکست آرما افسی منجر به خشم هواداران این تیم و هجوم آنها

به زمین شد که با برخورد شدید نیروهای امنیتی و ضرب و شتم آنها روبه‌رو شدند. پرتاب گاز اشک‌آور به سمت تماشاگران کار را بدتر کرد و باعث شد هزاران نفر به سمت خروجی ورزشگاه هجوم ببرند. در قوانین فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) آمده که پلیس برای کنترل جمعیت در ورزشگاه‌ها «نباید از گاز اشک‌آور استفاده کند». آمارها از تعداد کشته‌های این حادثه، از ۱۲۷ تا دست کم ۱۸۲ نفر حکایت دارد.



برای دیدن این ویدئو
کیوارکد زیر را
اسکن کنید



یک داستان واقعی

نگاهی به برخی فیلم‌های ایرانی که بر اساس واقعیت ساخته شدند

اتفاقات واقعی بهترین دستاویز برای خلق داستان‌ها و البته تولیدات فرهنگی دیگر است. این رویه آن قدر معمول است که حالا ما علاقه‌مندان سینما به یک جمله جذاب پیش از آغاز برخی فیلم‌ها به نوعی عادت کرده‌ایم. این‌که ببینیم پیش از آغاز تیتراژ فیلم نوشته شده است «این فیلم بر اساس یک داستان واقعی است!» اتفاقات پیرامونی ما ثبت در رسانه‌های جمعی همواره از نگاه سینماگران دور نمانده و آنها هم سعی کرده‌اند از این وقایع با

خشم و هیاهو

یکی از پرونده‌های جنجالی رسانه‌ای طی چند دهه گذشته در ایران پرونده قتل همسر ناصر محمدخانی بازیکن پیشین تیم پرسپولیس تهران است. پرونده‌ای که تا سال‌های سال با دستگیری متهم اصلی آن ادامه پیدا کرد تا مدت‌ها حواشی جانبی آن مورد توجه افکار عمومی بود. همین توجه‌ها بود که باعث شد هومن سیدی بر اساس این پرونده، فیلم سینمایی «خشم و هیاهو» را با بازی نوید محمدزاده و طناز طباطبایی بسازد. فیلم درباره خواننده‌ای مشهور به نام خسرو است که ظاهراً زندگی عاشقانه‌ای با همسرش دارد، او اما به دلیل ارتباط زیادش با مخاطبان، عاشق دختری به نام حنا سرفراز می‌شود. خسرو در عشق به حنا به جایی می‌رسد که می‌خواهد همسرش را طلاق دهد و به حنا می‌گوید که بدون او لحظه‌ای نمی‌تواند زندگی کند. حالا همسر او خسرو در خانه و اتاق خوابش به قتل رسیده و این پرونده دو متهم بزرگ دارد: خسرو و حنا سرفراز.



چهارراه استانبول

یکی از حوادث متناخر اجتماعی که باعث واکنش‌های بسیاری در ایران شد حادثه آتش سوزی و آوار ساختمان پلاسکو در تهران است. اتفاقی که روح جمعی جامعه ایرانی را جریحه‌دار کرد و تعداد قابل توجهی از مأموران آتش‌نشانی در این حادثه تلخ به شهادت رسیدند. مصطفی کیایی فیلم «چهارراه استانبول» را بر اساس همین اتفاق ساخت. داستان فیلم درباره پسری به نام احد، کارگر یک تولیدی در ساختمان پلاسکو تهران است. او عاشق دختری به نام لادن است که از طرف پدر برای ازدواج با پسرعموش تحت فشار است. احد برای تأمین هزینه ازدواج به همراه بهمن قمار می‌کند. شب قبل از آخرین قمار احد، لادن از خانه فرار می‌کند و در همان تولیدی که احد آنجا کار می‌کند پنهان می‌شود. صبح روز بعد، خبر تلخ و دردناکی از چهارراه استانبول به سایر نقاط ایران مخابره می‌شود. ساختمان پلاسکو آتش گرفته و لادن در یکی از طبقات آن گیر کرده است. احد و بهمن در تلاشند او را نجات دهند.



شبی که ماه کامل شد

در همه این سال‌های گذشته، جنایت‌های عبدالملک ریگی بر هیچ ایرانی پوشیده نیست. تروریستی که البته به دام قانون افتاد و به سزای جنایت‌هایش رسید. سینمای ایران هم البته در این رابطه آثاری راجع‌ی دوربین برده که جدال در تاسوکی یکی از زیاده‌است که به یکی از خوش‌حیانه‌ترین جنایت‌های او اشاره دارد. اما شاید مهم‌تر از آن، فیلم «شبی که ماه کامل شد» ساخته ترگس آلبا باشد که در دل این ماجرا، دنبال یک عاشقانه عجیب رفته است. فیلم روایت داستان عشق بی‌نظیر عبدالرحیم ریگی به دختری تهرانی به نام فائزه را به تصویر می‌کشد، اما این شوق مدت زیادی دوام نمی‌آورد و جای خود را به ترس، رعب و وحشت می‌دهد.

